

نشانه‌شناسی گفتمان در اسلام سیاسی و مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی

* دکتر امیرمحمد حاجی‌یوسفی

** دکتر ابوالقاسم عارف‌نژاد

چکیده

جامعه قومی - فرقه‌ای عراق، بعد از سقوط بغداد در سال ۲۰۰۳ صحنه رقابت و منازعه گفتمان‌های متعددی بوده است. با توجه به تأثیرات بارز آیت‌الله سیستانی بر روند تدوین قانون اساسی و دولت‌سازی در شرایط جدید آن کشور، دال‌های گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار ایشان و عوامل هژمونیک شدن آن در کشور عراق نه‌تنها برای محققین غربی بلکه برای مسلمانان، امری سؤال‌انگیز بوده است.

به‌رغم وجود شباهت‌های متعدد گفتمان آیت‌الله سیستانی با گفتمان‌های صد ساله اخیر حوزه علمیه نجف و قم و از طرف دیگر با گفتمان لیبرال

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (amyousefi@yahoo.com)

** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (arefnejad2010@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۳

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۰، صص ۷۴-۴۱.

دموکراسی، می‌توان گفت که این گفتمان، صرفاً شیعی نیست بلکه گفتمان توحیدی بدیع و بی‌سابقه‌ای است که «اسلام و رضایت عامه» به عنوان دال برتر، دیگر دال‌ها را به هم پیوندی چندجانبه زده و تحت تأثیر مغناطیس معنایی خود، معنای خاصی به هر کدام از آنها بخشیده است. در گفتمان آیت‌الله سیستانی، توحید مغناطیس کلیه دال‌ها بوده و لیبرال دموکراسی جایگاهی را برای دین در صحنه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری قائل نیست، لذا شکاف عمیقی بین این دو گفتمان ظاهراً شبیه به یکدیگر وجود دارد.

این مقاله معتقد است اگرچه اسلام سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی بالاترین ظرفیت در هژمونیک شدن در بین گفتمان‌های رقیب در عراق را دارد اما جامعه فعلی این کشور به دلیل ضعف‌های بنیادین نهادهای مردم‌سالارانه، آمادگی بهره‌مندی از ظرفیت‌های وحدت‌بخش این گفتمان را نداشته و چه بسا با به حاشیه راندن آن، شکاف‌های اجتماعی - سیاسی آن کشور را تشدید کند و با قوت گرفتن موضع طرفداران تشکیل مناطق فدرال اهل سنت عرب و شیعه، وحدت ارضی عراق به خطر افتاده و احتمال تجزیه این کشور را افزایش دهد.

مقاله حاضر با بهره‌گیری از الگوی تجزیه و تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، نشانه‌های گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی در عراق بعد از اشغال را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: آیت‌الله سیستانی، عراق، گفتمان، اسلام سیاسی، مردم‌سالاری.

مقدمه

کشور عراق که بر اساس توافقات کشورهای پیروز در جنگ جهانی اول و طی قرارداد ۱۹۲۰ سور شکل گرفت، با شکاف‌های عمیق اجتماعی همراه شد و قومیت‌های عرب، کرد، ترکمن و پیروان مذاهب تشیع، تسنن و دیگر اقلیت‌های دینی، وادار به زیستن تحت لوای کشور واحد شدند. ۶۵ درصد از جمعیت ۳۲ میلیونی عراق شیعه و عمدتاً عرب، حدود ۱۵ درصد اهل سنت عرب، حدود ۱۵ درصد اهل سنت کرد، و پیروان سایر مذاهب با کمتر از ۵ درصد، جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. عراق تا پیش از سال ۲۰۰۳ توسط نخبگان عرب سنی مذهب و ارتش بعثی و با استفاده از اهرم خشونت، سرکوب و ارباب نسبتاً یکپارچه نگاه داشته شده بود، ولی با سقوط صدام توسط اشغالگران و از بین رفتن حاکمیت ملی، ناامنی، وخامت اوضاع معیشتی، قومیت‌گرایی، قبیله‌گرایی، فرقه‌گرایی (طائفه‌گرایی) و انحصارطلبی از جمله مصائبی بود که شکاف‌ها و تضادهای اجتماعی این جامعه را تشدید کرد.

آنچه توانست عراق را در این شرایط بحرانی به سمت ثبات و حاکمیت ملی هدایت کند، مواضع مردم‌سالارانه آیت‌الله سیستانی بود که در تلاش بود با گفتمان‌های رقیب اعم از گفتمان ملی‌گرایی، گفتمان سکولاریسم (تحت لوای لیبرال دموکراسی) و گفتمان اسلام سیاسی سلفی (تکفیری)، به غیریت‌سازی پرداخته و عناصر مورد نظر خود را تثبیت کرده و عناصر مورد نظر خود را تثبیت نماید.

جایگاه آیت‌الله سیستانی در جامعه عراق ناشی از سه عامل مشخص است که عبارتند از: جایگاه حوزه علمیه نجف در عراق؛ به رسمیت شناخته شدن اعلامیت فقهی آیت‌الله سیستانی؛ و موضع‌گیری‌های مردم‌سالارانه ایشان در روند تحولات

این کشور. مواضع اسلامی و مردم‌سالارانه آیت‌الله سیستانی که با پشتیبانی و رضایت نسبی تمامی اقوام و پیروان مذاهب مختلف طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ همراه شد وی را به الگوی بی‌بدیلی برای طرفداران مردم‌سالاری تبدیل ساخت و اشغالگران را وادار کرد تا در انتقال قدرت و تدوین قانون اساسی روند مردم‌سالارانه پیشنهادی ایشان را بپذیرند.

با توجه به اینکه بعد از تدوین قانون اساسی و تشکیل حکومت عراق، تمایلات مردم‌سالارانه در عراق رو به ضعف گذاشت و فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله سیستانی نیز به طور محسوسی کاهش یافته، این پرسش مطرح می‌شود که گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی از چه دال‌هایی شکل گرفته و منحنی فعالیت وی تحت تأثیر چه عواملی قرار دارد و چه موقعیتی را در سال‌های آینده خواهد داشت؟

پاسخی که به این پرسش داده می‌شود تا ابعاد آن در ضمن مباحث آتی با دقت بیشتری مورد بررسی قرار بگیرد عبارت از این است که: «گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی گفتمانی توحیدی است که دال برتر آن را «اسلام و رضایت عامه» تشکیل می‌دهد و در مورد تشکیل دولت و اداره امور تأکیدی بر ویژگی‌های شخصیتی نداشته و وظیفه‌محور است؛ از این رو با مبانی اعتقادی اکثریت قریب به اتفاق مردم عراق سازگار است. افزایش و کاهش موضع‌گیرهای ایشان از سال ۲۰۰۳ به بعد تابعی از شرایط بحرانی جامعه و ضرورت ایجاد امنیت و تقویت بنیان‌های حکومتی مردم‌سالار بوده و میزان موفقیت در تثبیت زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های دموکراسی در عراق نسبت مستقیمی با هژمونی گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار در حال و آینده دارد».

مقاله حاضر پس از مروری بر سابقه تحقیق، مبانی مفهومی و نظری این پژوهش را به طور مختصر بیان کرده و سپس با نگاهی گذرا به مهم‌ترین تحولات زندگی سیاسی - اجتماعی آیت‌الله سیستانی، مهم‌ترین دال‌های گفتمان ایشان را ترسیم می‌نماید. بیان تشابهات و تفاوت‌های گفتمان مذکور با دیدگاه‌های مهم‌ترین مراجع تأثیرگذار شیعی در حوزه مردم‌سالاری، و سپس بررسی دال برتر گفتمان لیبرال دموکراسی و تبیین شکاف عمیق بین گفتمان مذکور با گفتمان اسلام سیاسی

آیت‌الله سیستانی، مشخص‌کننده بی‌بدیل بودن گفتمان مردم‌سالارانه ایشان است. مبحث پایانی این تحقیق، علل فراز و فرود این گفتمان در حوزه منازعات گفتمانی عراق و پیشران‌های مؤثر بر هژمونیک شدن آن در عراق آینده را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

پیشینه تحقیق

پژوهشگران متعددی ضمن بررسی وضعیت جدید عراق، به جایگاه آیت‌الله سیستانی در تحولات عراق اشاره کرده‌اند ولی در بین تحقیقات منتشره چند مقاله با دقت بیشتری اندیشه‌ها و موضع‌گیری‌های آیت‌الله سیستانی در عراق را بررسی کرده‌اند؛ تام لی دورف و جان هارکینز در مقاله «آینده نقش سیستانی در عراق»، وی را فردی محافظه‌کار و سنت‌گرا دانسته که اگرچه نظر مساعدی نسبت به دولت اسلامی دارد اما معتقد به جدایی دین از سیاست است.^(۱)

ریدار ویسر در مقاله خود با عنوان «سیستانی، ایالات متحده آمریکا و سیاست در عراق: از سکوت‌گرایی تا ماکیاولیسم» می‌گوید که نه پارادایم «آرامش‌گرایی» سنتی و نه تفاسیر جدیدتر «ماکیاولیسم» قادر به تفسیر و تبیین رفتارهای آیت‌الله سیستانی نیستند. به همین دلیل ویسر با رویکردی تاریخی تلاش می‌کند رفتارها و موضع‌گیری‌های ایشان را بر اساس «نوسان بین موضع‌گیری منفی انفعالی تا موضع‌گیری مثبت فعال»، تفسیر کند.^(۲) ویسر کلید فهم موضع‌گیری آیت‌الله سیستانی در زمان حال و آینده را در این نکته می‌داند که آیت‌الله سیستانی شخصیتی است که ترجیح می‌دهد به مباحث تخصصی حوزوی بپردازد تا اینکه بخواهد به دخالت و اداره مسائل سیاست داخلی عراق بپردازد؛ به عبارت دیگر ایشان بیشتر شخصیتی مذهبی است تا شخصیتی سیاسی.^(۳)

مه‌دی خلجی در مقاله «آخرین مرجع: سیستانی و پایان اقتدار مذهبی سنتی در تشیع» بیان می‌کند آیت‌الله سیستانی متعلق به نسلی از مراجع تقلید دو قرن اخیر است و تمامی اندیشه و عملکرد وی در این چهارچوب قابل فهم و تجزیه و تحلیل است. او می‌گوید آیت‌الله سیستانی نه در حوزه شریعت و نه در حوزه اندیشه سیاسی هیچ‌گونه نوآوری نداشته و فتاوی او مانند فتاوی سایر مراجع تقلید است.^(۴)

بابک رحیمی در پژوهش خود با عنوان «آیت‌الله سیستانی و دموکراسی‌سازی عراق بعد از صدام»، وی را فردی «آرامش‌گرا و سکوت‌گرا» دانسته که جهان غرب نتوانسته مفهوم صحیح چنین سیاستی را در چهارچوب تفکر سنتی شیعی درک کند. وی آیت‌الله سیستانی را تحت تأثیر اندیشه‌های میرزای نایینی دانسته و می‌گوید که بر این اساس، اداره جامعه مبتنی بر قراردادی اجتماعی بین حاکم و مردم برای ارتقای وضعیت جامعه در تحقق ایدئال‌های اسلامی است. از نظر رحیمی اندیشه‌های آیت‌الله سیستانی در زمینه نقش روحانیت در صحنه سیاسی، به چهارچوب فکری اصلاح‌طلبان ایران در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴، بسیار نزدیک است.^(۵)

تمامی آثار و مقالات منتشره، جایگاه مستقل و بی‌مانندی را برای اندیشه‌های آیت‌الله سیستانی قائل نیستند. بعضی از آنها با محور قرار دادن آثار علمای شیعی اصولی، در صدد فهم دیدگاه‌های ایشان برآمده‌اند حال آنکه این مقاله اعتقاد دارد اندیشه ایشان مجموعه بدیع و بی‌سابقه‌ای است که با بهره‌مندی از الگوی گفتمان، امکان فهم آن میسر است.

مبانی مفهومی

الگوی گفتمان، اسلام سیاسی و مردم‌سالاری از واژگانی است که به‌کارگیری آن در حوزه مباحث سیاسی اسلامی موافقان و مخالفانی دارد. مخالفان این حوزه، چنین امری را متأثر از اندیشه‌های فرامدرنیته، گرایش‌های لیبرالی و دیدگاه‌های خصمانه غرب نسب به جهان اسلام تلقی می‌کنند.^(۶)

مقصد اصلی نظریه گفتمان، ترسیم و تبیین تحولات اجتماعی با توسل به عوامل و منطق‌های سیاسی هر دوره است. بر اساس این نظریه، تمامی تحولات اجتماعی حاصل منازعات معنایی میان گفتمان‌های متخاصم است و در روند آن هر گفتمانی همواره در تلاش برای حفظ معنای «خودی» و طرد معنای «دیگری» است. برای اینکه اشیا و فعالیت‌ها قابل فهم باشند، باید به عنوان جزئی از یک چهارچوب گسترده‌تر معانی وجود داشته باشند که توسط مفصل‌بندی محقق می‌گردد؛ به نحوی که هویت این عناصر اصلاح و تعدیل شود و معانی آنها در یک

محدوده زمانی و مکانی خاص کشف شود. همه نشانه‌های مفصل‌بندی شده در یک گفتمان از ارزش برابر برخوردار نیستند. مهم‌ترین این نشانه‌ها «دال برتر» است که هسته مرکزی منظومه گفتمانی را تشکیل می‌دهد. سایر نشانه‌ها در اطراف دال برتر نظم می‌گیرند و جاذبه این هسته سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند و آنها را در قلمرو جاذبه معنایی خود نگه می‌دارد.

هر گفتمانی تلاش می‌کند چهارچوب مفهومی خود را مبتنی بر اولویت مفاهیم سیاسی و منطقی از قبیل هویت، زنجیره هم‌ارزی، خصومت، هژمونی و بی‌قراری (ازجانگدگی) بنا سازد. هویت گفتمانی از طریق زنجیره هم‌ارزی که در آن نشانه‌های مختلف در تقابل با زنجیره‌هایی دیگر با هم مرتبط شده‌اند، ایجاد می‌شود.^(۳) منطق هم‌ارزی می‌کوشد از طریق مفصل‌بندی بخشی از این نیروها، تمایزات آنها را کاهش داده و آنان را در مقابل یک غیر منسجم کند، بنابراین منطق هم‌ارزی شرط وجود هر صورت‌بندی است.^(۴) منطق تفاوت در مقابل زنجیره هم‌ارزی، به خصلت متکثر جامعه اشاره دارد و با تأکید بر تفاوت‌ها، مفهوم خصومت و غیریت برجسته می‌شود. از آنجاکه هر گفتمانی در سایه رقیب و خصم شکل می‌گیرد هویت‌ها نیز تنها در پرتو «غیر» مشخص می‌شوند.

هژمونی بیش از آنکه بر اساس زور بنا شده باشد بر اقناع درونی قرار دارد^(۵) و فرایند هژمونی فرایند تولید معنا برای تثبیت قدرت و فرایند تثبیت موقت هویت‌ها است.^(۶) بی‌قراری به معنای هر مسئله یا پدیده‌ای است که هویت‌یابی نیروهای اجتماعی با گفتمان مسلط را خدشه‌دار کرده و آنان را کم‌کم از گرد آن پراکنده می‌سازد. بی‌قراری حاصل رشد خصومت و ظهور غیریت و تکثر در جامعه است و نشانه زوال هژمونی گفتمان مسلط و ناتوانی آن در تفسیر واقعیت و جذب عناصر اجتماعی به شمار می‌آید.

با توجه به مفاهیم کلیدی الگوی تحلیل گفتمان باید گفت که مدلول واژه‌های «اسلام سیاسی» و «مردم‌سالاری»، با مفصل‌بندی چندجانبه دال‌ها مشخص می‌شود و با توجه به اینکه علمای شیعی اصولی به‌ویژه امام خمینی (ره) ضمن اذعان به ثبات حقایق، بر نقش غیر قابل انکار زمان و مکان در تعیین مدلول و مصداق واژه‌ها تأکید می‌ورزند، مقاله حاضر در این محدوده الگوی گفتمان را معتبر و دارای کارایی

دانسته و صرفاً در همین محدوده آن را به کار می‌گیرد.

در مخالفت با به‌کارگیری واژه اسلام سیاسی گفته شده که اسلام ذاتاً سیاسی است و توصیف اسلام با واژه «سیاسی»، القاکننده غیر سیاسی بودن اسلام می‌شود. با مروری بر گرایش‌های جهان اسلام مشخص می‌شود فرقه‌ها و گرایش‌های کاملاً متناقضی حتی در مذهب واحدی در حوزه مباحث سیاسی مشاهده می‌شود و بسیاری از این گروه‌ها با قاطعیت خاصی، تنها دیدگاه‌های خود را اسلام واقعی دانسته و به تکفیر دیگران می‌پردازند و پذیرش چنین مبنایی مانع از گفت‌وگو و مباحثه علمی می‌شود. مقاله حاضر، «اسلام سیاسی» را با قید «مردم‌سالار» مشخص می‌سازد؛ رویکردی که با محور دانستن اسلام، به دنبال همراه ساختن نظر اکثریت در تبعیت از مفاهیم دین اسلام است. به واژه «دموکراسی» با رویکردهای مختلفی نگریسته شده است این مقاله با به‌کارگیری واژه «مردم‌سالاری»، در صدد غیریت‌سازی با کاربردهای سکولاریستی این مفهوم است.

آیت‌الله سیستانی و مرجعیت عام

آیت‌الله سیستانی در سال ۱۳۴۹ هـ ق در مشهد متولد شد. در سال ۱۳۶۰ هـ ق آموختن مقدمات علوم حوزوی را در مشهد آغاز و سپس در سال ۱۳۶۸ هـ ق به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله بروجرودی بهره‌مند شد. آیت‌الله سیستانی در سال ۱۳۷۱ هـ ق از قم به نجف اشرف مهاجرت کرد، و در جلسات دروس آیت‌الله خوئی، شیخ حسین حلی، آیت‌الله حکیم و آیت‌الله شاهرودی حاضر شد. در سال ۱۳۸۰ هـ ق تصمیم مراجعت به مشهد گرفت و آیت‌الله خوئی درجه اجتهاد وی را مکتوب کرد. آیت‌الله سیستانی در سال ۱۳۸۱ هـ ق بار دیگر از وطن به نجف بازگشت و شروع به تدریس نمود. روش تدریس ایشان دارای ویژگی‌های خاصی است از جمله پیوند میان فکر حوزوی و فرهنگ‌های معاصر، و بحث از معنی الفاظ، بررسی تطبیقی میان مکتب‌های فقهی و اصولی حوزه مشهد، قم و نجف، به‌کارگیری علم حقوق معاصر در بعضی از موارد فقهی.^(۱۱)

بعد از وفات آیت‌الله خوئی در سال ۱۹۹۲، بسیاری از مقلدین آیت‌الله خوئی، به توصیه وی عمل کرده و آیت‌الله سیستانی را به عنوان مرجع تقلید خود انتخاب

کردند.^(۱۲) با توجه به اینکه آیت‌الله خوبی دارای شبکه گسترده‌ای از نمایندگی‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی بود این مراکز وابسته به ایشان در اختیار آیت‌الله سیستانی قرار گرفت و به این طریق ضریب نفوذ وی در جامعه شیعه بسیار افزایش یافت.

فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی آیت‌الله سیستانی

جو ساده‌زیستی حاکم بر زندگی شخصی آیت‌الله سیستانی، بر فضای تعاملات اجتماعی - سیاسی ایشان نیز مشاهده می‌شود. اگرچه فعالیت‌های سیاسی ایشان از زمان تصدی مقام مرجعیت آغاز می‌شود ولی عمده این فعالیت‌ها از اشغال عراق در مارس ۲۰۰۳ نمود بیشتری پیدا کرد. دیدگاه‌ها و مواضع آیت‌الله سیستانی، در فرایند دولت‌سازی و شکل‌گیری نظام سیاسی نوین عراق نشان داد ایشان رسالتی سیاسی برای اسلام قائل است و ظرفیت بالقوه گفتمان اسلام سیاسی آیت‌الله سیستانی به حدی بارز و آشکار است که محققان غربی اذعان کردند که نمی‌توان جایگاه ایشان را در صحنه سیاسی عراق نادیده گرفت.^(۱۳)

از آنجاکه مطرح شدن دال‌های گفتمان آیت‌الله سیستانی تابعی از تحولات سیاسی آن کشور بوده، دال‌های این گفتمان به نحوی به یکدیگر پیوند یافته‌اند که مطرح شدن هر دال جدیدی سبب کشف دقیق‌تر مدلولات، دال‌های قبلی می‌شود. بر این مبنا سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ را می‌توان با توجه به مقاطعی که دال‌های مختلف این گفتمان نمود بیشتری داشته‌اند به سه دوره همپوشان طبقه‌بندی کرد:

دوره اول: بسترسازی قانونی تحقق اسلام سیاسی مردم‌سالار و تصویب قانون اساسی عراق (ژوئن ۲۰۰۳ تا دسامبر ۲۰۰۵)؛

دوره دوم: تقویت مشارکت سیاسی و جامعه مدنی و برگزاری انتخابات پارلمانی عراق (دسامبر ۲۰۰۵ تا مارس ۲۰۱۰)؛

دوره سوم: تأکید بر پاسخگویی دولت در قبال مردم (۲۰۰۶ تا زمان حاضر).

نشانه‌های گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی

۱. مردم

نشانه مردم در گفتمان آیت‌الله سیستانی، نشانه‌ای است که زنجیره ارزی آن را اکثریت، تکررگرایی و جامعه مدنی تشکیل می‌دهد؛ برنامه‌ریزی جامعه با توجه به

تقاضاهای اکثریت انجام می‌شود ولی این امر به معنی نفی حقوق اقلیت و نادیده انگاشتن آنها نیست؛ ضمن اینکه معنای اکثریت در این گفت‌وگو، اکثریت فرقه‌ای یا قومی نیست بلکه اکثریت تمامی اتباع عراق است که معیار چنین اکثریتی نیز تعداد آرای رأی‌دهندگان است.^(۱۴)

معنای تکررگرایی مورد نظر آیت‌الله سیستانی با تأکید ایشان بر «مکانیزم انتخابات سراسری بر اساس لیست باز»، به تثبیت می‌رسد. از نظر ایشان، سیستم انتخاباتی باید توانایی تجلی اراده‌های مختلف را داشته باشد و نتایج انتخابات اقناع درونی همه اقوام و مذاهب را به همراه آورد. حوزه صلاحیت چنین اراده‌ای، تعیین روند تمامی امور کشور از جمله تعیین شکل حکومت عراق و قوانین جاری کشور است.

انتخابات پارلمانی عراق در سال ۲۰۰۵ بر اساس لیست بسته برگزار شد و با توجه به نتایج حاصله، آیت‌الله سیستانی سیستم لیست بسته را غیرکارآمد دانست و به این نتیجه رسید که این سیستم، عملاً رأی‌دهندگان را در روز رأی‌گیری در بی‌خبری نگاه می‌دارد ولی لیست باز باعث ایجاد انگیزه بیشتر برای حضور فعالانه مردم در صحنه انتخابات شده و تعداد زیادتری از عراقی‌ها را به پای صندوق رأی می‌آورد.^(۱۵) پس از اعلام نظر آیت‌الله سیستانی و حمایت از لیست باز، وضعیت حاکم بر مباحثات پارلمانی به نفع تصویب لیست باز تغییر کرد و دفتر ایشان نیز اعلام کرد مرجعیت شیعه بر ضرورت احساس مسئولیت نمایندگان پارلمان عراق و پاسخگویی آنها به خواسته‌ها و تمایل اکثریت ملت عراق مبنی بر فهرست باز در انتخابات پارلمانی این کشور تأکید دارد.^(۱۶)

جامعه مدنی مورد نظر آیت‌الله سیستانی که فراهم‌کننده مشارکت مؤثر و سازنده مردم در تحولات اجتماعی - سیاسی است، نه تنها از اعمال نفوذ دولت و نهادهای دولتی آزاد است بلکه شخصیت‌های مذهبی و روحانی نباید خواهان دیکته کردن نظرات خود و پیروی بی‌چون و چرای مردم از آنان باشند.^(۱۷) با نهادینه شدن جامعه مدنی، سهم‌خواهی‌های گروه‌های سیاسی در کسب مناصب و پست‌ها، به حاشیه رانده می‌شود و توانایی بالاتر در تأمین رضایت عمومی آحاد مردم به مهم‌ترین معیار سپردن مناصب و مسئولیت‌های اجرایی به افراد، تبدیل می‌شود.

از پیامدهای تثبیت معنای مردم در این گفتمان، تعیین مدلول نشانه «قانون اساسی» است. با توجه به اینکه تنها مقام ذیصلاح در تدوین قانون اساسی «مردم عراق» یعنی تمامی اتباع آن کشور اعم از زن و مرد و با هر دین و آیینی است، زمانی نشانه «قانون اساسی» تثبیت می‌شود که این قانون برخاسته از اراده مردم بوده و در صدد حفظ هویت ملی و دینی و ارزش‌های اجتماعی و تعیین حقوق و وظایف خود و اختیارات و وظایف دولت باشد^(۱۸) ولی اگر اراده‌ای غیر از اراده اکثریت مردم، بخواهد قانون اساسی بر جامعه‌ای تحمیل کند آن قانون اساسی فاقد اعتبار خواهد بود. بر اساس چنین معنایی از مردم بود که آیت‌الله سیستانی، تلاش کرد تا قانونی در این کشور به تصویب برسد که خواست و منافع همگان از هر طایفه و قومیت و مذهبی را به طور عادلانه فراهم سازد.^(۱۹)

از آنجاکه جامعه عراق جامعه‌ای مذهبی است و اکثر مردم عراق مسلمان هستند قوانین کشور نمی‌تواند برخلاف عقاید اکثریت باشد؛ از این رو ایشان توجه به ثوابت دینی را در قانون اساسی ضروری دانست^(۲۰) و تأکید کرد جایگاه اسلام در قانون اساسی جدید عراق مورد توجه خاص قرار گیرد. این امر به معنی نادیده گرفتن دیگر منابع حقوقی نیست. در این زمینه می‌توان به ماده ۲ قانون اساسی عراق اشاره کرد که منابع قانون‌گذاری را منحصر به اسلام نکرده و تصریح می‌کند که اسلام دین رسمی کشور و منبع اصلی قانون‌گذاری است.

در چنین فضای گفتمانی، آیت‌الله سیستانی اعلام کرد تنها افرادی شایسته تنظیم قانون اساسی جدید عراق هستند که به طور مستقیم توسط تمامی مردم عراق انتخاب شده باشند و سپس قانون اساسی تنظیم شده به همه پرسى گذاشته شده و به تأیید مردم عراق رسیده باشد.^(۲۱) هژمونیک شدن نشانه مردم در دلالت بر استلزامات معنایی فوق، سبب شد تعریف امریکا از «قانون اساسی مطلوب کشور عراق» دچار بی‌قراری شود و اقدام آن کشور در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۳ در مورد تعیین کمیته‌ای برای تدوین قانون اساسی، فاقد مشروعیت لازم تلقی شود و مقامات امریکایی نتوانند مدل لیبرال دموکراسی مورد نظر خود را در قالب «قانون اساسی نوین عراق» بر این کشور تحمیل کنند و در نهایت مجبور به پذیرش گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار در این زمینه شوند.^(۲۲)

۲. دولت مقتدرِ پاسخگو عامل تأمین امنیت و رفاه همگانی

در گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار، هویت «دولت» با ارجاع به زنجیره هم‌ارزی اقتدار، تأمین کردن امنیت و رفاه همگانی، و پاسخگویی تثبیت می‌شود. دولت مقتدر مهم‌ترین نیاز هر جامعه‌ای در اداره امور کشور و حفظ جامعه از هرج و مرج و اقدامات خودسرانه است و تنها نهادی است که از حق انحصاری داشتن اسلحه و اجرای احکام جزایی برخوردار است. فتاوی آیت‌الله سیستانی نشان می‌دهد اقدامات خودسرانه گروه‌های شبه‌نظامی با هر انگیزه‌ای باشد، امری نامشروع است.^(۳۳) در پی درگیری‌هایی که در سال ۲۰۰۴ در شهر کربلا میان نظامیان امریکایی و شبه‌نظامیان صدر درگرفت آیت‌الله سیستانی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد پلیس و نیروهای قبیله‌ای باید عهده‌دار تأمین امنیت جامعه باشند و دیگر نیروهای درگیر باید از این شهر خارج شوند.^(۳۴)

در گفتمان حاضر، دولت علاوه بر تأمین امنیت، مسئول حفظ منابع ملی است و هیچ فرد یا گروهی حق تصرف اموال ملی و دولتی را ندارد.^(۳۵) با توجه به چنین اختیاراتی موظف به بهبود شرایط زندگی و معیشتی مردم است. تأکید بر این مسئله وجه مشترک بسیاری از بیانیه‌های مختلف ایشان و ماحصل ملاقات‌های متعددی است که سیاست‌مداران و مسئولان مختلف عراقی با ایشان داشته‌اند و دغدغه مستمر ایشان از زمان اشغال عراق تا زمان حاضر بوده است.^(۳۶)

ارتباط متقابل و چندجانبه دال پاسخگویی با دال مردم و دولت، منظومه معنایی مشخصی را پدید می‌آورد که بر اساس آن، اگرچه دولت مقتدرترین نهاد است ولی در عین حال هرگونه مصوبات و اقدام‌های دولتی باید در راستای خواست اکثریت و رعایت احترام به دین آنان باشد و چیزی برخلاف احکام آن تصویب نکند.^(۳۷) و خود را موظف به پاسخگویی به مردم در قبال اقدامات خود بداند. استلزام معنایی دال پاسخگویی، به رسمیت شناختن حق اعتراض به سیاست‌ها و عملکرد دولت و اقدام به برگزاری راهپیمایی اعتراض‌آمیز است منوط به اینکه به اموال خصوصی و عمومی آسیبی وارد نشود.^(۳۸)

۳. دینی‌سازی تساهل و تسامح

یکی از صحنه‌های منازعات گفتمان‌های اسلامی با گفتمان‌های سکولار در مورد دال تساهل و تسامح است. در چنین منازعه‌ای، دال مذکور در حوزه گفتمان‌گونگی گفتمان‌های اسلامی قرار می‌گیرد اما گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی توانسته این دال را وارد مفصل‌بندی خود سازد. با توجه به اینکه فضای گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار تحت تأثیر معنایی توحید است، معنای این دال به دینی‌سازی تساهل و تسامح تقلیل یافته و در آن به انسداد رسیده است؛ به عبارت دیگر گفتمان آیت‌الله سیستانی در صدد تساهل و تسامح دینی نیست بلکه به دنبال دینی‌سازی تساهل و تسامح است و تساهل و تسامح، معنایی دینی پیدا می‌کنند.

معنای تثبیت‌شده و رسوب‌یافته تساهل در گفتمان مذکور هم حوزه معنا و هم حوزه عمل را در بر می‌گیرد. اگرچه هر گفتمانی به وسیله غیریت‌سازی تلاش می‌کند تا هویت خود را تثبیت کرده و باعث رسوب معانی مورد نظر خود شود ولی در گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار چنین غیریت‌سازی به منزله تلاش برای نفی و ابطال «دیگر ادیان و مذاهب» نیست. از منظر این گفتمان رابطه دین و سیاست و جایگاه مرجعیت و روحانیت و شخصیت‌های دینی، نه دیدگاهی سکولاریستی است و نه دیدگاهی است که حکومت دینی در چهارچوب ولایت مطلقه فقیه را تنها شکل مشروع حکومت بداند^(۳۹) بلکه در این گفتمان مقصود از اسلام آن دسته از تعالیم اسلامی است که «آسان‌گیر بودن» وجه مشخصه آن است.^(۴۰) احکام دینی حکومتی شامل اموری می‌شود که از دید تمامی فرقه‌ها و مذاهب اسلامی امری مجاز و مشروعی تلقی شود و در نتیجه اسلام سیاسی مورد نظر گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار، اسلامی است که بر کلیات و امور متفق علیه شیعه و اهل سنت استوار است و در آن علما و متفکران دیگر مذاهب اسلامی متهم به شرک و کفر نشده و در حوزه مطروودین قرار نمی‌گیرند. از این زاویه عراقی‌های پیرو سایر ادیان و مذاهب «برادر انسانی» محسوب می‌شوند^(۴۱) که احترام به آنان و عقایدشان لازم است و مبنای تعامل با آنان عدالت و مساوات است.^(۴۲)

آیت‌الله سیستانی در صحنه عمل نیز تعامل خود با گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی مسلمان و غیرمسلمان را بر پایه تساهل و تسامح دینی بنا کرده و ضمن

تأکید بر مبانی دینی، به دنبال فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت تمام افراد اعم از شیعه، سنی و سکولار در تمامی امور جامعه است. آیت‌الله سیستانی نه تنها خود از پذیرش مناصب سیاسی خودداری ورزید بلکه روحانیون را از این امر بازداشت. (۳۳)

از نظر ایشان عدم ورود مرجعیت به جزئیات تصمیم‌گیری‌های سیاسی - اجتماعی زمینه ورود دیگران به این صحنه را فراهم می‌آورد و در چنین وضعیتی، صلاح‌دید و قدرت تشخیص مردم معیار عمده در گزینش سیاست‌ها و خط مشی‌ها است. طبیعتاً اگر هم مردم در این زمینه مرتکب اشتباهی شوند اشتباه و خطایی عرفی و غیر مذهبی قلمداد می‌شود.

از بارزترین مصادیق و مدلولات دال تساهل و تسامح دینی در گفتمان آیت‌الله سیستانی، نحوه تعامل ایشان با اهل سنت است. با سقوط صدام، اقتدار گروه اقلیت اعراب سنی مذهب از بین رفت و زمینه اقدامات انتقام‌جویی و تلافی‌جویانه شیعیان فراهم شد. آیت‌الله سیستانی در این زمان حکومت عراق را به حفظ امنیت تمامی مردم عراق صرف نظر از وابستگی‌های نژادی و مذهبی و فکری مکلف کرد (۳۴) و تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز شیعیان با اهل سنت و انجام گفت‌وگو و دیدارهای مستقیم و غیرمستقیم را بهترین و تنها راه حل برای مرتفع کردن هر نوع اختلاف احتمالی دانست. (۳۵)

گروه‌های سکولار و ملی‌گرای عراقی به‌رغم تلقی منفی از رابطه دین و سیاست و جایگاه مقامات مذهبی در این حوزه، رابطه احترام‌آمیزی با آیت‌الله سیستانی دارند که خود حاکی از توجه آنان به مدلول تساهل و تسامح در گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار و رویکرد کل‌گرایانه آیت‌الله سیستانی است. بر این اساس در مقاطع مختلفی که آنان از نحوه رقابت گروه‌های شیعی احساس نارضایتی کرده‌اند به آیت‌الله سیستانی متوسل شده‌اند تا با اعمال نفوذ خود، موانع مشارکت سیاسی آنان برداشته شده و قادر به ایفای نقش مؤثرتر در صحنه سیاسی عراق شوند که از جمله این موارد می‌توان به ملاقات‌های رهبران ائتلاف العراقیه با وی در طی سال ۲۰۱۰ اشاره کرد. (۳۶)

۴. اقدام جمعی

اقدام جمعی یکی از دال‌های گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار است که معنای آن در غیریت‌سازی با اقدامات فردی روشن می‌شود که بر اساس آن، ضمن به رسمیت شناختن کرامت و عزت فرد، بهترین مکانیزم دفاع از حرمت و کرامت افراد جامعه، هژمونیک ساختن خرد جمعی است که می‌تواند مانع از سیطره خودرأیی و استبداد و دیکتاتوری عوامل داخلی و خارجی شود. در یک جامعه مردم‌سالار، مجلس و دولت به عنوان سمبل حاکمیت ملی، شایستگی دارند تا تصمیمات لازم را اخذ و اجرا کنند و با داشتن حق اختصاصی اعمال قوه قهریه موظف به حفظ امنیت جامعه هستند؛ البته آنگاه که دولت بر اوضاع امنیتی مسلط نشده باشد، سیستم امنیت جمعی نشئت‌گرفته از مردم، عامل تثبیت آرامش و جلوگیری از هرج‌ومرج تلقی می‌شود تا بحرانی بودن شرایط اجتماعی منجر به فراهم ساختن ظهور قدرت استبدادی نشود. در همین راستا، زمانی که آیت‌الله سیستانی، دولت را از کنترل درگیری‌های نجف در سال ۲۰۰۴ ناتوان دید در ابتدا از شرکت‌کنندگان در کنفرانس ملی عراق خواست تا وارد میدان شوند و مانع از تداوم کشمکش و ناامنی شوند و آنگاه که آنان نیز در این مسیر ناکام ماندند، آیت‌الله سیستانی دعوت از مردم برای راهپیمایی به سمت نجف را در دستور کار خود قرار داد که موفقیت‌آمیز هم بود و نتیجه مورد نظر ایشان نیز حاصل شد.

گفتمان آیت‌الله سیستانی نه تنها در صحنه داخلی جمع‌گرایی و رویکردهای مردم‌سالارانه را مقدم بر تک‌روی و اقدامات فردگرایانه می‌داند بلکه وی معتقد به چنین رویکردی در سطح بین‌المللی است. برای از بین بردن هژمونی امریکا در عراق و آزادسازی این کشور از سلطه امریکا تلاش کرد با وارد ساختن سازمان ملل متحد به صحنه عراق، آنان را مخاطب خود در اعاده امنیت و روند دولت‌سازی در عراق بداند و با پافشاری بر اجرای اقدامات دموکراتیک و جهانی باعث شد مسائل عراق زیر نظر این سازمان قرار داده شود و نهادها و شخصیت‌های حقوقی سازمان ملل متحد نیز تا زمانی که زمینه‌ساز اعمال اراده آزاد مردم عراق باشند، مصادیقی مشروع در نظر گرفته می‌شوند و به تعبیر فیلدمان کاری را که تونی بلر نتوانست انجام دهد آیت‌الله سیستانی در آن به موفقیت رسید.^(۳۷)

۵. عراقی‌سازی مردم‌سالاری انجمنی

در نظریه گفتمان، هویت سوژه و هویت گفتمان هر دو به واسطه تقابل میان درون و بیرون شکل می‌گیرند. هویت سوژه به واسطه تعارض میان ناخودآگاه او و اجتماع اطرافش شکل می‌گیرد و هویت گفتمان به واسطه غیریت و غیریت‌سازی ساخته می‌شود. سوژه‌ها در درون ساختار گفتمانی به هویت شناخت از خود دست می‌یابند و بر اساس آن دست به عمل می‌زنند.^(۳۸)

گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار تلاش کرده از طریق زنجیره هم‌ارزی «عراقی بودن»، «وحدت منافع» و «حقوق برابر» بتواند معنای مورد نظر خود را در نشانه «مردم‌سالاری» به تثبیت برساند اما از آنجاکه شکاف‌های عمیق قومی - مذهبی موجود در جامعه عراق، مانع از پیاده‌سازی هرگونه مدلی از دموکراسی در آن کشور است، باید مدلی طراحی شود که سازگار با فضای فکری - اجتماعی آنان باشد.

در گفتمان آیت‌الله سیستانی، منابع و ثروت‌های عراق به تمامی اقوام و مذاهب عراقی تعلق دارد و هرگونه مدل سیاسی و اداری باید به نحوی تنظیم شود که منجر به توزیع عادلانه این ثروت‌ها شود؛ از این رو آیت‌الله سیستانی به وحدت کل عراق و به‌ویژه وحدت مناطق شیعه‌نشین و اهل سنت اعتقاد راسخ دارد. از دلایل عمده طرفداری ایشان از وحدت ارضی، فراهم ساختن امکان بهره‌مندی عادلانه اهل سنت از منابع و ثروت‌های این کشور است که عمدتاً در مناطق جنوبی شیعه‌نشین واقع شده است.

با در نظر داشتن این مفروض‌ها و گزینه‌های احتمالی، مشاهده می‌شود که سازگارترین مدل دموکراسی برای این کشور، «مردم‌سالاری انجمنی بومی شده» است که در مفصل‌بندی گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی قرار گرفته است؛ مدلی که ضمن احترام به رأی اکثریت، قادر به احقاق حقوق اقلیت‌ها بوده و از استبداد اکثریت نیز جلوگیری می‌کند.^(۳۹) رویکرد کل‌گرایانه ایشان باعث شده هرگاه اقلیت‌های مذهبی احساس کنند در حق آنان ظلم و ستمی روا داشته می‌شود به ایشان مراجعه کرده و استمداد می‌طلبند.^(۴۰)

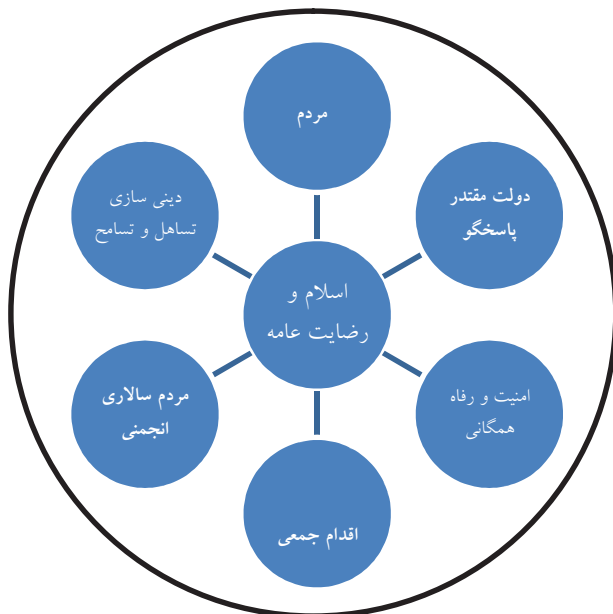
موضع آیت‌الله سیستانی در قبال نشانه فدرالیسم نیز در فضای گفتمانی فوق قابل تبیین است. ایشان با فدرالیسم فرقه‌ای مخالفت کرد و در بیانیه‌ای اظهار داشت:

«دریافتیم استفاده از فدرالی شدن موجود در پیش‌نویس قانون اساسی موجب تفرقه میان اهالی شمال، جنوب و مرکز، از بین رفتن وحدت، سنت‌ها و دوری از دین می‌شود...». «ما به عنوان مرجعیت شیعه عراق با فدرالی شدن دولت مخالفیم و خواهان حفظ وحدت عراق هستیم و امیدواریم با تشکیل دولت میهنی مرکزی منتخبی که ضامن آزادی ملت و خروج اشغالگران باشد، این وحدت حفظ شود.»^(۴۱)

از آنجاکه فدرالیسم سرزمینی و قومی لزوماً منجر به فدرالیسم فرقه‌ای نمی‌شود آیت‌الله سیستانی موافقت خود با این نوع فدرالیسم را مقید به حفظ وحدت ارضی و حفظ حقوق تمامی نژادها و قومیت‌ها کرد و در مورد تشکیل منطقه فدرال کردستان اعلام کرد اگر مردم عراق خواهان مدلی از فدرالیسم باشند که منجر به حفظ حقوق تمامی نژادها و طوایف شود، ایشان مخالفتی با آن نخواهد کرد.^(۴۲)

فضای گفتمان‌های توحیدی

نمودار مفصل‌بندی گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی



غیریت‌سازی گفتمان آیت‌الله سیستانی با گفتمان‌های سیاسی شیعی معاصر
 گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی مشابهت‌های متعددی با
 گفتمان‌های اسلام‌گرایانه و مردم‌سالارانه دارد ولی مغایرت‌ها و غیریت‌سازی متعدد
 این گفتمان، باعث مرزبندی و تثبیت هویت آن می‌شود.

گفتمان آیت‌الله سیستانی در حقیقت خرده‌گفتمانی است که در زیرمجموعه
 گفتمان‌های توحیدی قرار دارد که تمامی نشانه‌های آن تحت سیطره توحید معنا پیدا
 می‌کنند؛ از سوی دیگر، در هر گفتمان دموکراتیکی، خواست اکثریت جایگاهی
 محوری دارد. با توجه به دو مقوله مذکور باید گفت دال برتر گفتمان اسلام سیاسی
 مردم‌سالار متشکل از «اسلام و خواست اکثریت» است و دیگر دال‌ها از قبیل حفظ
 امنیت، وجوب حفظ دولت، تحقق رفاه اجتماعی و تأمین آزادی‌های و حقوق
 بنیادین، در ارتباطی متقابل و چندجانبه با یکدیگر معنا پیدا می‌کند و نگاه تک‌بعدی
 به هریک از این دال‌ها نه تنها سبب شناخت این گفتمان نمی‌شود بلکه پژوهشگر را
 از کلیت معنایی آن دور می‌سازد.

سید جواد شهرستانی داماد آیت‌الله سیستانی و نماینده ایشان در قم، وی را
 فردی جامع‌نگر می‌داند. به نظر وی چنین امری، ناشی از تحصیل وی در سه حوزه
 فکری مختلف مشهد، قم و نجف و بهره‌مندی از مکاتب فقهی متعددی بالاخص
 آیت‌الله سید محمدحسین بروجردی، آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی و سایر بزرگان
 است. (۴۳)

به نظر می‌رسد آیت‌الله سیستانی دیدگاهی عملگرا داشته و در این امر از
 روش‌شناسی آیت‌الله بروجردی بهره گرفته است. دیدگاه وی در بحث ضرورت
 حکومت و مشروعیت بخشی رأی اکثریت، شباهت‌ها و اختلاف‌هایی با دیدگاه
 میرزای نایینی دارد. همان‌گونه که در حوزه حدود اختیارات حکومت شباهت‌های
 زیادی به دیدگاه شهید محمدباقر صدر دارد ولی در مواردی به دیدگاه آیت‌الله
 خویی نزدیک‌تر شده و از دیدگاه امام خمینی (ره) فاصله می‌گیرد.

از مهم‌ترین ویژگی‌های روش‌شناسانه گفتمان آیت‌الله بروجردی، دیدگاه ایشان
 درباره تاریخ و اندیشه است. وی به جای آنکه از تاریخ مستندات برای اندیشه خود
 بیابد، اندیشه را به دست تاریخ می‌سپرد تا با دستیابی به نتایج تاریخی، دقت و

توانایی‌اش در فهم واقعی‌تر و دقیق‌تر موضوع افزایش یابد.^(۴۴)

آیت‌الله نایینی نخستین نظریه‌پرداز شیعی در حوزه دموکراسی شناخته می‌شود. گفتمان مردم‌سالاری آیت‌الله نایینی، شباهت‌هایی با گفتمان آیت‌الله سیستانی دارد ولی در عین حال فارغ از اختلاف نیست. از جمله موارد تشابه می‌توان به ضروری نبودن دخالت مرجعیت در تصدی امور اشاره کرد که آیت‌الله نایینی تصدی شخص مجتهد را واجب نمی‌داند.^(۴۵)

میرزای نایینی در مشروع بودن مصوبات مجلس بین دیدگاه اهل سنت و شیعیان قائل به تفصیل شده و در مورد شیعیان بیان می‌کند که مصوبات مجلس شورای ملی که در حوزه احکام متغیر است، زمانی مشروعیت دارد که به تأیید مقامات صالح مذهبی برسد.^(۴۶) وی در پاسخ به کسانی که مصوبات مجلس شورای ملی را از نظر شرعی بی‌اعتبار دانسته و آن را در تقابل با احکام نبوی می‌دانند بیان می‌کند که چون این مصوبات به تأیید صاحب ولایت رسیده و با امضا و «إذن» له ولایه الامضاء و الإذن است، اعتبار دارد.^(۴۷)

گفتمان آیت‌الله سیستانی به‌رغم وجود این شباهت‌ها، تفاوت‌های آشکاری با دیدگاه میرزای نایینی دارد. از جمله در مورد مبنای مشروعیت قوانین مصوب است. آیت‌الله سیستانی برخلاف میرزای نایینی معتبر بودن مواد قانون اساسی و مصوبات مجلس را منوط به موافقت مراجع تقلید و مقامات مذهبی نکرده بلکه با توجه به توصیه‌های ایشان به مشارکت مردم در همه‌پرسی قانون اساسی و دیگر قوانین مشخص می‌شود آیت‌الله سیستانی نظر اکثریت رأی‌دهندگان در همه‌پرسی و اکثریت نمایندگان مجلس در تصویب قوانین را مشروعیت‌بخش آنها می‌داند. در چنین وضعیتی دامنه اختیار قانون‌گذاران بسیار گسترده بوده و سکوت مرجعیت دال بر تأیید مصوبات است؛ در نتیجه مرجعیت فقط زمانی وارد صحنه می‌شود که قوانین مخالف با ثوابت اسلامی تصویب شده باشد و الا در سایر موارد، قوانین مصوب اکثریت، مشروع تلقی می‌شوند.

از دیگر گفتمان‌های اسلام سیاسی شیعی گفتمان شهید محمدباقر صدر است که حزب الدعوه عراق خود را پیرو آن معرفی می‌کند. این گفتمان سه مرحله مختلف را در مورد اسلام سیاسی مردم‌سالار طی کرده است.^(۴۸) در مجموع می‌توان

گفت رابطه گفتمان آیت‌الله سیستانی با گفتمان شهید آیت‌الله محمدباقر صدر، عموم و خصوص من وجه است. اصول کلی اندیشه‌های شهید صدر در حوزه نقش مرجعیت در حکومت اسلامی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. در هر زمینه‌ای که اجتهادات مختلف مشروع وجود دارد حکومت شرعی اختیار آن را دارد که یکی را از آن میان برگزیند و در نتیجه حکومت شرعی در حدود اجرای بی‌وقید و شرط رأی مجتهد خاص محصور نیست و حکومت آن وسعت را دارد که در گزینش آرای مجتهدان دخالت ورزد و بر اساس مصالح، یکی را برگزیند.

۲. حکومت شرعی می‌تواند در «منطقه الفراغ» یعنی مواردی که موضع قاطع وجود ندارد (وجوب یا حرمت) وضع قانون کند و اختیارات مردم را محدود سازد. همچنین حق دارد مباحات و مستحبات و مکروهات را ممنوع و یا لازم گرداند ولی منطقه واجبات و محرّمات در حوزه دخالت حکومت قرار ندارد.

۳. حاکم شرعی در حوزه قوانین متغیر شرعی حق دخالت و نظر دارد و در این محدوده می‌تواند قانونی را متوقف و جعل قانون جدید کند.^(۴۹)

با توجه به موارد فوق ملاحظه می‌شود که شهید صدر و آیت‌الله سیستانی بر این امر توافق دارند که رئیس دولت می‌تواند فردی غیر مجتهد باشد. علاوه بر آن حکومت قادر به گزینش اجتهادی است که با مصالح و منافع جامعه همخوانی بیشتری داشته باشد.

تفاوتی که دیدگاه آیت‌الله سیستانی با دیدگاه شهید صدر دارد در مورد نقش روحانیت و دامنه فعالیت آنهاست. اگرچه شهید صدر معتقد است رئیس دولت می‌تواند فردی غیر مجتهد باشد ولی با ورود روحانیت به صحنه سیاست و تصدی مناصب سیاسی مخالف نبود؛ چنانکه خود از بنیان‌گذاران حزب الدعوة محسوب شده و در سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ در آن حزب نقش فعالی داشت و به دلیل مبارزه با رژیم بعث در فروردین ۱۳۵۹ به شهادت رسید.

بر اساس گفتمان آیت‌الله سیستانی، نه تنها مرجعیت شرط زمامت حکومت اسلامی نیست بلکه نقش مرجعیت را منحصر به ایفای نقشی نظارتی و هدایت‌گر می‌داند که به جز در موارد خاص و بحرانی وارد صحنه سیاست نمی‌شود و نقش

اساسی مرجعیت صدور فتاوی شرعی در حوزه‌های مختلف زندگی و ترویج دین اسلام بر اساس روش ائمه علیهم‌السلام است.^(۵۰)

گفتمان آیت‌الله خویی قربات خاصی با گفتمان آیت‌الله سیستانی داشته و موارد مشترک فراوانی بین دیدگاه‌های این دو مرجع وجود دارد. اگرچه هر دو مرجع به آرامش‌گرایی و گرایش به سیاست سکوت توصیف شده‌اند، اما در عین حال تفاوت‌های بارزی بین این دو دیدگاه وجود دارد که از جمله در حوزه روش‌شناسی و نظریه‌پردازی، تبیین نقش مردم در تشکیل حکومت، و نقش زنان در جامعه قابل بررسی است.

اعتقاد عمومی این است که آیت‌الله خویی از نظر روش‌شناسی و مکتب اجتهادی، پیرو سبکی است که می‌توان آن را «نقل‌گرایی اصولی» نامید. این روش بر دلالت‌های لفظی در نصوص و روایات بیشترین توجه را معطوف داشته و فراتر از آن، به‌ندرت به سمت نظریه‌پردازی گرایش دارد.^(۵۱) رویکرد آیت‌الله خویی در موضوع ولایت فقیه نیز با توجه به همین مبنا قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است و با تکیه بر همین مبنا در مورد ولایت مطلقه فقیه می‌گوید:

«ولایت برای فقیه در زمان غیبت با دلیل نقلی ثابت نشده است. ولایت مخصوص پیامبر و ائمه است. تنها چیزی که از روایات استفاده می‌شود، دو مسئله است: نفوذ قضاوت فقیه و حجیت فتوای او؛ بنابراین او نمی‌تواند در مال قصر یا غیر آن از در شئون ولایت تصرف کند مگر در امور حسبی».^(۵۲)

آیت‌الله خویی در تأملات فقهی اهتمام ویژه‌ای به برخی قواعد نشان داده که او را به نتایج خاصی رسانده که از آن جمله قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم و أنفسهم» است. وی این قاعده را یکی از مبانی اندیشه سیاسی خود و معیار ارزیابی ادله نقلی ولایت فقیه قرار داده است.^(۵۳)

مبنای دیگر که اندیشه سیاسی آیت‌الله خویی را تحت تأثیر قرار داده، تصدی غیر ولایی انسان غیرمعصوم بر انسان‌های دیگر است. او عنوان «ولایت» را که ایجاد «حق» می‌کند، نسبت به حاکمان عصر غیبت به کار نمی‌برد و ریاست حاکمان را از نوع «جواز تصرف» می‌داند. نتیجه این تفسیر، عدم مسئولیت‌پذیری فعال فقیه در عرصه سیاسی است. فقیه و یا هر سیاست‌مدار دیگر دینی، کمتر وظیفه رسمی‌ای را

برای تغییر شرایط سیاسی پیدا می‌کند.^(۵۴)

از نظر آیت‌الله خویی فقیه نمی‌تواند مردم را به ادای زکات و خمس و سایر حقوق واجب بر آنان مجبور کند. همچنین در پاسخ به این پرسش که با توجه به مسئولیت فقیه در عصر غیبت، نسبت به اجرای حدود و تعزیرات آیا بر مجتهد واجب است که برای فراهم شدن اجرای این مسئولیت تلاش کند، می‌گوید: «لایجب علیه ذلک».^(۵۵)

با بررسی موارد فوق ملاحظه می‌شود که دال‌های گفتمان آیت‌الله سیستانی تا اندازه زیادی با گفتمان آیت‌الله خویی مشترک است ولی مباحثی از قبیل نقش زنان در حکومت و تصدی بالاترین مناصب سیاسی از قبیل وزارت به وسیله آنان^(۵۶)، با کلیت دیدگاه آیت‌الله خویی و جو غالب بر حوزه‌های علمیه شیعی مغایرت دارد. گفتمان امام خمینی (ره) به مانند مراجع تقلید فوق دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با گفتمان آیت‌الله سیستانی است. تأکید بر نقش فعال مردم در حکومت و جایگاه زن در جامعه در حکومت از موارد تشابه گفتمان آیت‌الله سیستانی با گفتمان امام خمینی (ره) است. ایشان در تبیین جایگاه مردم در حکومت می‌گوید:

مجموعه قوانین اسلام که در قرآن و سنت گرد آمده توسط مسلمانان پذیرفته و مطاع شده است. این توافق و پذیرفتن، کار حکومت را آسان نموده و به خود مردم متعلق کرده است. در صورتی که در حکومت‌های جمهوری و مشروطه سلطنتی، اکثریت کسانی که خود را نماینده اکثریت مردم معرفی می‌کنند، هرچه خواستند به نام قانون تصویب کرده سپس بر همه مردم تحمیل می‌کنند.^(۵۷)

تفاوت‌های عمده گفتمان امام خمینی (ره) با گفتمان آیت‌الله سیستانی در حوزه تشکیل حکومت و ولایت فقیه است. امام خمینی (ره) اجرای بسیاری از احکام اسلام از قبیل احکام مالی را مستلزم تشکیل حکومت اسلامی می‌داند و بنابراین قیام برای تشکیل چنین حکومتی را لازم و ضروری می‌داند؛ حال آنکه آیت‌الله سیستانی صرف تشکیل حکومت را لازم و ضروری دانسته و بر کارکردهای حکومت تأکید دارد و تعیین نوع حکومت را بر عهده مردم می‌داند. امام خمینی (ره) در این زمینه

می گوید:

احکام مالی اسلام بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد و اجرای آن جز از طریق استقرار تشکیلات اسلامی میسر نیست.^(۵۸)

امام خمینی معتقد است: «اسلام همان طور که جعل قوانین کرده قوه مجریه هم قرار داده است. ولی امر متصدی قوه مجریه قوانین هم هست... اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره، جزئی از ولایت است، چنانکه مبارزه و کوشش برای آن از اعتقاد به ولایت است».^(۵۹)

دال ولایت مطلقه فقیه که دال برتر گفتمان امام خمینی محسوب می شود مهم ترین عامل جدا شدن آیت الله سیستانی از گفتمان امام خمینی است. آیت الله سیستانی بیش از آنکه بر خصوصیات شخصی تأکید کند، قدرت مدیریت را مد نظر قرار داده و مهم ترین معیار در این زمینه را رأی و انتخاب مردم می داند، حال آنکه در گفتمان امام خمینی (ره)، ویژگی های شخص حاکم در حکومت اسلامی نقش محوری دارد و هر فردی صلاحیت تصدی زمامداری جامعه مسلمین را ندارد.^(۶۰) ایشان نه تنها فقها را تنها افراد ذی صلاح در تصدی زمامداری جامعه اسلامی معرفی می کند بلکه آنان را مکلف می داند برای تأسیس حکومت اسلامی قیام کنند و فرامین سیاسی و حکومتی آنان را عملی مذهبی دانسته که بر دیگر احکام اسلامی مقدم است.^(۶۱)

امام خمینی ولایت فقیه را مطلق دانسته و در این باره می گوید: «حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است».^(۶۲)

غیریت سازی گفتمان اسلام سیاسی مردم سالار با گفتمان لیبرال دموکراسی

در گفتمان آیت الله سیستانی و گفتمان لیبرال دموکراسی دال های مشترکی وجود دارد ولی بر اساس منطق گفتمان، الفاظ معنای تثبیت شده ای ندارند و صرف وجود عنوان مشترک به منزله مدلول های مشترک نیست بلکه هر گفتمانی تلاش می کند با توسل به دو عامل «قابلیت دسترسی» و «اعتبار»، معنی مورد نظر خود را تحت آن نشانه به تثبیت و انسداد برساند.

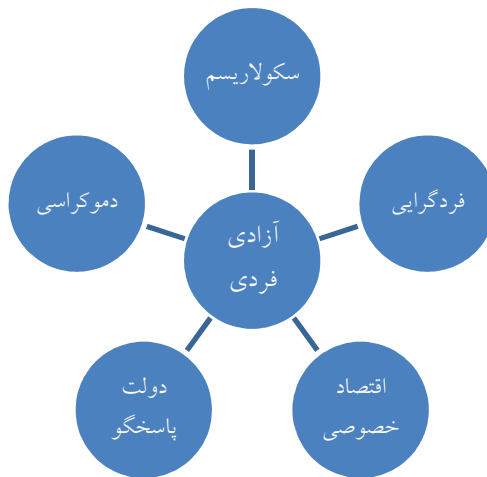
در گفتمان آیت‌الله سیستانی، نیل به امنیت که عامل برقراری روابط بین حکومت و مردم است، جنبهٔ ابزاری داشته و با خواست مردم رابطه‌ای متقابل دارد و در خلأ مطرح نمی‌شود. از برآیند رابطهٔ حکومت و مردم و دیگر دال‌ها، حدود و ثغور امنیت معنا پیدا کرده و تمامی افراد جامعه شایستهٔ بهره‌مندی از آن می‌شوند و هیچ فرد و گروه و قوم و طائفه و فرقه‌ای، اولویت بیشتری نسبت به دیگران پیدا نمی‌کند. چنین امنیتی زمانی حاصل می‌شود که همگان مطیع قانون واحدی باشند و خود را از قانون برتر ندانند و داور نهایی در تمامی امور قضایی و اجرایی را دولت بدانند. به همین دلیل افراد مختلفی که در مقاطع مختلف زمانی، به بهانه‌های متعددی خواستار نادیده گرفتن اقتدار و صلاحیت دولت و زیر سؤال بردن مشروعیت قانون بوده‌اند، مورد نکوهش آیت‌الله سیستانی قرار می‌گیرند.

از آنجاکه اهمیت امنیت برای تحقق آرامش و مصالح مادی و معنوی مردم است، گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار با دیدگاه هابز به «غیریت» سازی می‌پردازد. هابز که امنیت را بالاترین هدف عقد قرارداد اجتماعی می‌داند، به جز در چند مورد استثنایی، برای مردم حق اعتراض به اقدامات دولت و شورش علیه آن قائل نیست و بر پایه آن، توجیه‌کنندهٔ اقدامات ظالمانه دولت در حق افراد است. حال آنکه در گفتمان آیت‌الله سیستانی، معنای امنیت در گرو اقدامات عادلانه دولت قرار دارد و دولت مجاز نیست که به بانه ایجاد امنیت، مانع از بهره‌مندی مردم از حقوق مختلف شود بلکه دولت موظف است در چهارچوب اختیارات مندرج در قانون اساسی، عمل کند.

گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار با گفتمان لیبرالیستی جان لاک نیز به مرزبندی و غیریت‌سازی می‌پردازد. در گفتمان آیت‌الله سیستانی، توحید و کلمه «الله» معنابخش دیگر دال‌هاست و اگر توحید از این شبکه معنایی حذف شود، تار و پود این شبکهٔ معنایی از بین رفته و دال‌ها، به نشانه‌هایی تهی، بلا تکلیف و سرگردان تبدیل می‌شوند حال آنکه دین در گفتمان لیبرالیسم، امری شخصی در نظر گرفته شده و در مفصل‌بندی آن جایی ندارد بلکه آزادی فردی دال برتر آن گفتمان تلقی می‌شود. گفتمان لیبرالیسم در تعیین مدلول آزادی تلاش می‌کند با پیوندی سه‌جانبه بین آزادی فردی، فردگرایی و اقتصاد خصوصی، زنجیره ارزی آن را سازماندهی کند

ولی از آنجاکه خواسته‌های افراد تابعی از شرایط اجتماعی است، محدوده و مصادیق آزادی و مدل اقتصادی مطلوب هیچگاه به قطعیت نمی‌رسند و دائما شناور هستند. با ملاحظه موارد فوق باید گفت مهم‌ترین دال‌ها و از جمله دال برتر گفتمان لیبرال دموکراسی در گفتمان آیت‌الله سیستانی حضور دارد ولی با این تفاوت که در لیبرال دموکراسی، خواست شناور مردم معنابخش این دال‌هاست ولی در گفتمان آیت‌الله سیستانی، توحید و استلزامات معنایی آن، به دال‌ها هویت و معنا می‌بخشد. ویژگی توحید به نحوی است که منطق نظریه تحلیل گفتمان در تبیین این «دال» همیشه ثابت و به قطعیت رسیده، ناتوان است و حداکثر توانایی آن در توجه به دیگر دال‌ها و مصادیق آنهاست؛ مصادیقی که در زمان‌های مختلف، تغییر می‌کند و بر اساس شرایط مکانی و زمانی، امور مختلفی، مصداق دال خاصی محسوب می‌شود.

نمودار مفصل‌بندی گفتمان لیبرال دموکراسی



گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار و چالش‌های هژمونیک

هژمونی همان منطق سیاسی است که به ایجاد اجماع و عقل سلیم^۱ جدید منجر می‌شود^(۳) و اتحاد و انسجام طبقات و سوژه‌های طبقاتی به مجموعه‌ای از موقعیت‌های متزلزل ولی به هم پیوسته تجزیه می‌گردد که از طریق فرایند هژمونی

منسجم می‌شوند.^(۶۴) بر این اساس، گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار هم با ظرفیت‌های بالقوه و هم با چالش‌های متعددی مواجه است. موضوع مرجعیت و جایگاه حوزه علمیه نجف در مقبولیت عمومی آیت‌الله سیستانی نقش غیر قابل انکاری دارد و هر فردی شیعی خود را مکلف به تبعیت از مرجع تقلید می‌داند. جامعه شیعه عراق، جدای از رویکرد جناح‌ها و گروه‌های مذهبی، پابندی خاصی به اندیشه‌های مذهبی دارد که این خصوصیت در مناسبت‌های مذهبی از قبیل عاشورا و اربعین، جلوه بیشتری پیدا می‌کند. بر این مبنا می‌توان گفت که با توجه به جایگاه مرجعیت در تشیع، فتاوی آیت‌الله سیستانی بر توده شیعیان تأثیر بسیار زیادی دارد و همین امر باعث شده که نه تنها جریان‌های سیاسی عراق بلکه نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا، موفقیت خود در روند دولت‌سازی در عراق را، مستلزم جلب رضایت آیت‌الله سیستانی و عدم جبهه‌گیری وی در مقابل این سیاست‌ها بدانند.

با نگاهی جامع به تحولات عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ مشخص می‌شود این گفتمان تاکنون نتوانسته به هژمونی دست پیدا کند. مهم‌ترین چالش‌های این گفتمان، روند نسبتاً طولانی تحقق دموکراسی و شکل‌گیری جامعه مدنی و تثبیت نشدن نشانه مردم در معنای مورد نظر آیت‌الله سیستانی است؛ به عبارت دیگر «هویت عراقی» تاکنون شناور و بلا تکلیف باقی مانده و این گفتمان تاکنون نتوانسته معنای آن را به تثبیت برساند.

علاوه بر اینکه بازیگران خارجی متعددی در صحنه سیاسی عراق بر سر منافع مختلف با یکدیگر در رقابت هستند، هر فرد عراقی نیز وابستگی‌های متعددی داشته و این امر مانع از تثبیت هویت واحدی برای وی است. جزئی‌نگری قومیت‌ها، قبایل، گروه‌ها و احزاب عراقی در تعارض با کلی‌نگری آیت‌الله سیستانی قرار دارد و هرکدام تا زمانی که سخنان و بیانیه‌های آیت‌الله سیستانی منافع مقطعی آنها را تأمین کند، این سخنان را پذیرفته و تبلیغ می‌کنند اما زمانی که چنین دیدگاه‌هایی با منافعشان در تضاد قرار گیرد، غالباً به آن عمل نمی‌کنند.

بیشترین تأثیرگذاری اندیشه‌ها و مواضع سیاسی ایشان بر شیعیان است و با توجه به اینکه فعال‌ترین جریان‌های شیعی متأثر از مرجعیت، جریان حزب‌الدعوه، جماعت صدرثانی و مجلس‌اعلی است، ولی جایگاه رفیع مرجعیت باعث نشده

سخنان و رهنمودهای آیت‌الله سیستانی مورد پذیرش و تبعیت کامل آنان قرار گیرد. برای نمونه می‌توان به اقدامات مبارزه‌طلبانه و تلافی‌جویانه صدری‌ها در حوادث سال ۲۰۰۴ و اقدامات آنان در قبال گروه‌های تکفیری وهابی به سرکردگی زرقاوی در سال ۲۰۰۵ اشاره کرد.^(۳۵) رویه جنگجویانه صدری‌ها به رویارویی با گروه‌های تکفیری منحصر نشده بلکه این گروه با نیروهای نظامی تیپ بدر (وابسته به مجلس اعلی) در بغداد، بصره، کربلا و نجف در اگوست ۲۰۰۵ درگیر شد.

از دیگر موارد عدم تبعیت جناح‌های سیاسی شیعه از آیت‌الله سیستانی در زمینه نحوه فعالیت سیاسی علمای شیعه است. به‌رغم اینکه ایشان با تصدی مناصب و پست‌های سیاسی توسط روحانیون مخالف بوده ولی روحانیون مختلفی از همان زمان اشغال عراق به بعد، در شورای حکومتی و دیگر مناصب اداری حضور داشته و عهده‌دار سمت‌های دولتی بوده‌اند و در لیست انتخابات ائتلاف یکپارچه در ژانویه سال ۲۰۰۵ قرار داشتند.

از بارزترین موارد عدم اطاعت از رهنمودهای آیت‌الله سیستانی، رقابت شدید جناح‌ها و گروه‌های سیاسی در تشکیل دولت بعد از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ بود. آیت‌الله سیستانی بارها تأکید کرد هرچه سریع‌تر دولت جدید شکل گرفته و به رفع مشکلات و تأمین خواسته‌های مردم عراق پردازد ولی این امر انجام نشد تا اینکه بعد از ۲۸۹ روز بحث و مذاکره بر سر تعیین سهم گروه‌ها و احزاب عراقی در کابینه، توانستند به توافق متزلزلی دست پیدا کنند.

نتیجه‌گیری

گفتمان اسلام سیاسی آیت‌الله سیستانی با رویکردی مردم‌سالارانه و کل‌گرایانه توانست گروه‌ها و احزاب متعدد غیر شیعی را بعد از سقوط صدام قانع سازد که این گفتمان منافع آنان را تأمین می‌کند. گفتمان مذکور در مورد تشکیل دولت و اداره امور، تأکیدی بر ویژگی‌های شخصی نداشته بلکه وظیفه‌محور است و توانایی تحقق خواسته‌های اجتماعی - سیاسی تمامی شهروندان و ایجاد رضایت عمومی، عامل ایجاد و تداوم مشروعیت دولت تلقی می‌شود. بر این اساس غیریت‌سازی این گفتمان با دیگر گفتمان‌ها بیش از اینکه نظری و تئوریک باشد عملگرایانه بوده و با

هر گفتمانی که به دنبال کسب انحصاری قدرت، تأکید بر ویژگی‌های فردی و عدم پاسخگویی در مقابل مردم تأکید داشته است، به غیریت‌سازی پرداخته است. اگرچه نگاه عام و فراگیر این گفتمان، مخالفت‌ها و ضدیت‌های اقوام و فرقه‌های مختلف را کاهش داده ولی هژمونی این گفتمان در آن حدی نبوده که رهبران قومیت‌ها، قبایل، احزاب و گروه‌های سیاسی را در تبعیت کامل از خود قانع سازد. زمینه‌های هژمونیک نشدن این گفتمان بیشتر ناشی از ناکامی در ایجاد هویت گفتمانی است؛ هر فرد عراقی خود را در مقابل هویت مذهبی، هویت قومی، هویت قبیله‌ای، هویت منطقه‌ای و هویت ملی می‌بیند که با هویت ملی - دینی» مورد نظر گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار در تعارض قرار دارد و در نتیجه «هویت عراقی» تاکنون شناور و بلا تکلیف باقی مانده و گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار تاکنون نتوانسته آن را به تثبیت برساند. از مهم‌ترین چالش‌های دیگر این گفتمان، روند نسبتاً طولانی تحقق دموکراسی و شکل‌گیری جامعه مدنی است که معیارهای رفتار دموکراتیک در جامعه عراق هژمونیک نشده و تا شکل‌گیری جامعه مدنی فاصله زیادی دارد.

با توجه به گسترش بیداری اسلامی در منطقه خاور میانه و اقبال عمومی مردم به مردم‌سالاری، تنها گفتمان تأمین‌کننده امنیت عراق، منافع قومیت‌ها و مذاهب مختلف، دوری از سهم‌خواهی‌های قومی - فرقه‌ای و روی آوردن به گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار است؛ ولی این مسئله مستلزم تکمیل روند دولت‌سازی و دموکراسی‌سازی، تقویت جامعه مدنی، دوری از قومیت‌پرستی و فرقه‌گرایی، واگذاری مقامات و مناصب سیاسی - اجتماعی بر مبنای شایسته‌سالاری و تلاش برای تأمین خواست تمامی مردم عراق است. در چنین شرایطی گفتمان آیت‌الله سیستانی می‌تواند به هژمونی دست یابد ولی چنانچه روند تحولات عراق بر محور زیاده‌خواهی و خودمحوری باشد، دال برتر این گفتمان که همان عدالت اجتماعی اسلام و رعایت خواست عموم است، تحقق نخواهد یافت و این کشور به سمت بی‌ثباتی و تجزیه حرکت خواهد کرد؛ روندی که تحولات دوساله اخیر حاکی از گسترش یافتن آن دارد و احتمال هژمونیک شدن گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار در آینده نزدیک بسیار بعید به نظر می‌رسد. *

پی‌نوشت‌ها

1. See Tom Leydorf and John Harkins, "Sistani's Future Role in Iraq", *Urban Warfare Analysis Center*, 22 August 2007, p. 3.
2. See Reidar Visser, "Sistani, the United States and Politics in Iraq: From Quietism to Machiavellianism?", *Norwegian Institute of International Affairs*, No. 700, 2006, p. 6.
3. Ibid, p. 27.
4. See Mehdi Khalaji, "The Last Marja: Sistani and the End of Traditional Religious Authority in Shiism", *Policy Focus*, No. 59, September 2006, p. 14.
5. Babak Rahimi, "Ayatollah Sistani and the Democratization of Post-Ba'athist Iraq", *Special Report*, June 2007, pp. 9-10.
۶. ر.ک به: بسام طیبی، اسلام، سیاست جهانی و اروپا، محمود سیفی، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹؛ اصغر افتخاری، «دو چهره اسلام‌هراسی سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب»، رسانه، سال بیستم، شماره ۳، قابل دسترس در آدرس زیر:
<http://farsi.khamenei.ir/others-article?id=12457>. retrieved 1390/7/28 23: 50.
7. M. Jorgensen & L. Phillips, *Discourse Analysis as Theory and Method*, (London: Sage Publication, 2002), p. 43.
8. E. Laclau and C. Mouffe, *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, (London: Verso, 2001), pp. 127-134.
9. L. Chouliaraki, & N. Fairclough, "Rethinking Critical Discourse Analysis", (Edinburgh: Edinburgh University Press, 1999), p. 24.
10. David Howarth, *Discourse*, (Buckingham, Open University Press, 2000) .p. 15.
11. <http://www.sistani.org/index.php?p=۲۹۹۲۶۴>, retrieved at 2011-4-10, 21: 10.
12. <http://www.sistani.org/local.php?modules=nav&nid=1>
13. Noah Feldman, "Oklahoma Law Review, The Democratic Fatwa: Islam and

Democracy”, *The Realm of Constitutional Politics*, 2005, Vol. 58, Spring, No. 1. p. 2.

۱۴. السيد السيستاني: العراق لا يحكم بأغلبية طائفية أو قومية وإنما بأغلبية سياسية، ۳۱ أيار ۲۰۰۹، قابل دسترس در آدرس زیر:

<http://www.sistani.org/index.php?p=914883&id=707>, retrieved at 2011-4-10, 21: 10

۱۵. سماحة السيد السيستاني يدعو النواب لاعتماد نظام القائمة المفتوحة، ۰۶ تشرين الأول ۲۰۰۹، قابل دسترس در آدرس زیر:

<http://www.sistani.org/index.php?p=914883&id=709> retrieved at 2011-4-10, 21: 15

۱۶. سليمه دارمی، کتاب *خاورمیانه؛ ویژه تحولات عراق*، (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۸)، ص ۱۷۱.

۱۷. سماحة السيد لا يطلب موقفاً في الحكم و السلطة و يرى ضرورة ابتعاد علماء الدين عن مواقع المسؤوليات الإدارية و التنفيذية نك به: السيد السيستاني، همان، وثيقة، رقم ۱۳، جواب رقم ۴.

۱۸. ندعو الحكومة العراقية الى... رعاية كامل حقوقهم و منع الأذى عنهم بغض النظر عن إنتماءاتهم العرقية و المذهبية و الفكرية، همان، جزء من وثيقة رقم ۸۴.

19. Andrew Arato, *Constitution Making Under Occupation: The Politics of Imposed Revolution in Iraq*, (New York: Columbia University Press. 2009), pp. iv, vii.

۲۰. درباره نظر آیت‌الله سیستانی درباره حکومت دینی، مطالب زیر قابل توجه است: «إن القوى السياسية و الاجتماعية الرئيسية في العراق لاتدعو إلى قيام حكومة دينية، بل إلى نظام يحترم الثوابت الدينية للعراقيين. ر.ك به: السيد السيستاني، همان، جزء من وثيقة، رقم ۵۳، جواب رقم ۷.

۲۱. ان تلك السلطات لاتتمتع بأية صلاحية في تعيين أعضاء مجلس كتابة الدستور. ر.ك: همان، وثيقه رقم ۱۴.

22. Andrew Arato, *Ibid*, p. 21.

۲۳. موضع آیت‌الله سیستانی در تبیین صلاحیت انحصاری دولت در اجرای احکام قضایی در پاسخ به پرسش زیر به روشنی مشخص شده است: «هناك الكثير من أزمات النظام السابق ممن كان له دور مباشر أو غير مباشر في إيذاء الناس و الاعتداء عليهم و فيما يلي بعض الأسئلة بشأنهم نرجو الإجابة عليها. س ۱: من تأكد دوره المباشر في قتل الأبرياء - باعتراف منه أو بغير ذلك - هل تجوز المبادرة إلى القصاص منه؟ ج ۱: القصاص إنما هو حق لأولياء المقتول بعد ثبوت الجريمة في المحكمة الشرعية، و لاتجوز المبادرة إليه لغير الولي و لا قبل الحكم به من قبل القاضي الشرعي»، ر.ك: السيد السيستاني، همان، وثيقة رقم ۱۱ جواب رقم ۱.

24. Johanna McGeary, *Ayatullah Sistani: Iraq's shadow ruler*,

http://www.lastsuperpower.net/docs/sistani/sendto_form Date: 18 October 2004
retrieved at 2011/1/24, 21: 40

۲۵. همان، وثیقه رقم ۹، جواب ۲.

۲۶. ر.ک: «سماحة السيد عمار الحكيم يعقد مؤتمراً صحفياً»، النجف الأشرف - المجلس - المكتب الخاص - ۲۰۱۰/۰۶/۱۰م - ۴: ۰۰ م، الثلاثاء، ۱۴ حزيران ۲۰۱۱»، قابل دسترس در:

http://www.almejlis.org/news_cat_13.html

۲۷. دیدگاه تکثرگرایانه آیت الله سیستانی در عبارت زیر مشهود است: «إن القوى السياسية و الاجتماعية الرئيسية في العراق... [تدعو] إلى نظام يحترم الثوابت الدينية للعراقيين... يعتمد مبدأ التعددية، السيد السيستاني، پیشین، جزء من وثیقه رقم ۵۳، جواب رقم ۷.

۲۸. بیان مکتب سماحة السيد (دام ظلّه)، حول مظاهرات يوم الجمعة، ۲۲ ربيع الاول ۱۴۳۲:

http://www.sistani.org/index.php?p=۸۲۴۱۶۳&id=۲۶۰ retrieved at 2011-4-10, 21: 17

۲۹. دفتر آیت الله سیستانی نظر ایشان را در ضمن پاسخ به پرسش درباره ولایت مطلقه فقیه این گونه آورده است: «أما تشكيل حكومة دينية على أساس فكرة ولاية الفقيه المطلقة فليس وارداً، و لكن يفترض بالحكم الجديد أن يحترم الدين الاسلامي الذي هو دين أغلبية الشعب العراقي و لا يقر ما يخالف تعاليم الاسلام. ر.ک به: السيد السيستاني، همان، وثیقه رقم ۲۲، جواب رقم ۲.

۳۰. محوری بودن خواسته و نقش اکثریت در دیدگاه آیت الله سیستانی، در جملات زیر قابل مشاهده است: فإن الاسلام دين الاغلبية في العراق، فإذا كتب الدستور بإيدى المنتخبين من قبل الشعب العراقي فمن المؤكد أنه سيتمثل فيه قيم الإسلام و تعاليمه السمحاء، همان، وثیقه رقم جواب، رقم ۵. ۳۱. در جوابیه آیت الله سیستانی بر ضرورت مصون بودن اقلیت های دینی در جامعه عراق آمده است: «فلماذا تسبئون إلى إخوانكم في الانسانية و شركائكم في الوطن؟»، همان، جزء من وثیقه رقم ۹۲... «ما يقع أحياناً من بعض الاعتداءات على غير المسلمين فهو أمر مرفوض تماماً و سيتم القضاء عليها بعد تمكين قوات الشرطة و المحاكم من أداء مهامها بصورة كامل»، ر.ک: همان، وثیقه رقم ۵۳، جواب رقم ۷.

۳۲. دیدگاه آیت الله سیستانی درباره مبانی اصلی حکومت در جوابیه زیر آمده است: «إن القوى السياسية و الاجتماعية الرئيسية في العراق لاتدعو إلى قيام حكومة دينية، بل إلى نظام... يعتمد مبدأ التعددية و العدالة و المساواة كما مر»، همان، جزء من وثیقه رقم ۵۳، جواب رقم ۷.

۳۳. دفتر آیت الله سیستانی نظر ایشان را در ضمن پاسخ به پرسشی درباره تصدی مقامات سیاسی توسط روحانیون اظهار داشته: «قد سبق للمرجعية الدينية أن أوضحت أنها ليست معنية بتصدى الحوزة العلمية لممارسة العمل السياسي و أنها ترتأى لعلماء الدين أن يناؤا انفسهم عن تسلّم المناصب الحكومية»، همان، جزء من وثیقه، رقم ۵۳، جواب رقم ۷.

۳۴. آیت‌الله سیستانی در مورد فرانگری حکومت می‌گوید: « ندعو الحكومة العراقية الى العمل الجاد والدؤوب لتوفير الامن والاستقرار لجميع العراقيين و رعاية كامل حقوقهم و منع الأذى عنهم بغض النظر عن إنتماءاتهم العرقية و المذهبية و الفكرية»، همان، جزء من وثيقة، رقم ۸۴.

۳۵. دیدگاه آیت‌الله سیستانی درباره اهمیت گفت‌وگو در پاسخ‌های زیر آورده شده است: «التواصل مع إخواننا أهل السنة قائم سواء عن طريق اللقاءات المباشرة أم غيرها، و وجهات النظر بيننا و بينهم متطابقه أو متقاربه في معظم القضايا الرئيسية، و الحوار هو الأسلوب الأمثل لحل الخلاف إن وجد»، همان، وثيقه، رقم ۲۶ جواب رقم ۳.

۳۶. علاوی يلتقى السيد السيستاني، الإثنين، ۲۴ مايو ۲۰۱۰.

<http://www.sistani.org/index.php?p=۹۱۴۸۸۳&id=۷۱۴> retrieved at 2011-4-10, 21: 20

37. Noah Feldman, Op. Cit, p. 8.

38. David Howarth, Op. Cit, p. 13.

۳۹. با توجه به ملاحظات خاص آیت‌الله سیستانی، قانون اساسی عراق نیز به نحوی تنظیم شده که حقوق مدنی اقلیت‌ها حفظ شود و از جمله آنکه بر اساس ماده ۳۹ قانون اساسی عراق به اقلیت‌ها اجازه داده می‌شود برای حل و فصل اختلافات در احوال شخصیه هر دادگاهی را که خود مایل باشند، انتخاب کنند. ر.ک به:

Kenneth Katzman, "Iraq: Government Formation and Benchmarks", in Steven J. Costel, (ed), *Surging out of Iraq?*, (New York: Nova Science Publishers, Inc. 2008), p. 48.

۴۰. بعد از اینکه نمایندگان پارلمان عراق در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۸ به قانون انتخابات شوراهای استانی رأی مثبت دادند، اما ماده ۵۰ درباره حقوق اقلیت‌های عراقی در نمایندگی نسبی را لغو کردند. این اقدام با اعتراض گسترده اقلیت‌ها از جمله مسیحیان روبه‌رو شد تا جایی که با برپایی تظاهرات، اعتراض خود را نشان دادند. هیئتی به نمایندگی از اقلیت مسیحیان و طایفه صابین منداییین با آیت‌الله سیستانی دیدار کرد و مشکلات این اقلیت را با ایشان در میان گذاشت. این رایزنی‌ها باعث شد که جلال طالبانی رییس جمهوری عراق پیشنهاد داد ماده حذف‌شده قانون مذکور که ضامن حقوق اقلیت‌ها از لحاظ نمایندگی سیاسی به شمار می‌رود، دوباره در این قانون درج شود. ر.ک: دیدار جمعی از مسیحیان عراق با آیت‌الله سیستانی، قابل دسترس در آدرس زیر:

[http://www.tabnak.ir/fa/news/۲۲۳۴۴/retrieved at 1387/7/30, 21: 30.](http://www.tabnak.ir/fa/news/۲۲۳۴۴/retrieved%20at%2013877730)

۴۱. سایت آفتاب، «آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی در بیانیه‌ای ضمن مخالفت با فدرالی شدن فرقه‌ای عراق، بر حفظ وحدت و یکپارچگی عراق تأکید کرد»، قابل دسترس در آدرس زیر:

<http://www.aftabnews.ir/vdcjmhev.uqeyxzsffu.html>

۴۲. دیدگاه آیت‌الله سیستانی درباره فدرالیسم سرزمینی در پاسخ‌های زیر مشهود است: «إن الاصل

الفيدرالية و نوعها المناسب للعراق مما يجب أن يقرره الشعب العراقي عبر ممثليه المنتخبين لمجلس كتابة الدستور... و من المؤكد أن ممثلى الشعب الكردي العزيز فى مجلس كتابة الدستور سيتوصلون مع سائر إخوانهم العراقيين الى صيغه مثلى تحفظ وحدة العراق كما تحفظ جميع أعراقه و قومياته»، ر.ك: السيد السيستاني، پیشین، وثيقه رقم ۵۳، جواب رقم ۹.

۴۳. ر.ك: پاسخ آیت‌الله العظمی سیستانی به نامه‌های جرج بوش چه بود؟، قابل دسترس در آدرس زیر:

<http://www.hawzahnews.com/index.aspx?siteid=6&pageid=1973&newsview=86601>
retrieved at 1390/2/26, ۳۱: ۱۲

۴۴. احمد مبلغی، «تحریری نو از نظریه شهرت در اصول مثلقات آیت‌الله بروجردی»، فصلنامه فقه اهل بیت، ویژه‌نامه آیت‌الله بروجردی، سال ششم، شماره بیست‌وسوم، پاییز ۱۳۷۹، صص ۱۴۹-۱۵۰.

۴۵. محمدحسین غروی نایینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تحقیق و تصحیح: سید جواد ورعی، (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲، چاپ اول)، ص ۱۱۳.

۴۶. همان، ص ۴۹.

۴۷. همان، ص ۱۳۶.

۴۸. آیت‌الله شهید صدر در مسیر تأملات و تحقیقات خود درباره نظام سیاسی اسلام به سه نظریه دست یافته عبارتند از: (۱) حکومت انتخابی بر اساس شورا که مربوط به سال ۱۳۷۸ ق است؛ (۲) ولایت انتصابی عامه فقیهان؛ (۳) حاکمیت مردم با نظارت فقیه. ر.ك: م. مدرس العلوم، شهید صدر و مردم‌سالاری دینی، بازتاب شماره ۲-۱، قابل دسترس در آدرس زیر:

http://www.balagh.net/persian/baztab/lib/baz_01/11.htm#f2#f2 retrieved at 1390/3/16,
21: 20

۴۹. شهید رابع، «اسوه جهاد و شهادت، آیت‌الله صدر»، نشریه حوزه، شماره ۲۵، (قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اردیبهشت ۱۳۶۷)، سرمقاله، قابل دسترس در:

<http://daftarmags.ir/Journal/Text/Howzeh/Article/index.aspx?JournalNumber=25&ArticleNumber=13184>, retrieved at 1390/4/25, 23: 50 .

۵۰. مواضع آیت‌الله سیستانی درباره نقش مرجعیت و روحانیون در حکومت را می‌توان در سؤال و پاسخ‌های زیر مشاهده کرد: «الدور الأساس للمرجع هو تزويد المؤمنین بالفتاوی الشرعیة فی مختلف شؤون الحیاة الفردية و الاجتماعية، و لكن هناك مهام أخرى يقوم بها المرجع بحکم مكانته الاجتماعية و الدينية و منها إعانة الفقراء و رعاية المؤسسات و المراكز الدينية و نحو ذلك. ر.ك به: السيد السيستاني، همان، وثيقة رقم ۱۳، جواب رقم ۱.... سماحة السيد لا يطلب موقعاً فى الحكم و

- السلطة و يرى ضرورة ابتعاد علماء الدين عن مواقع المسؤوليات الإدارية و التنفيذية، همان، وثيقة رقم ۱۳، جواب رقم ۴.
۵۱. محمداکرم عارفی، اندیشه سیاسی آیت‌الله خویی، (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، بوستان کتاب، ۱۳۸۶، چاپ اول)، ص ۱۱۷.
۵۲. همان، ص ۱۱۰.
۵۳. بر اساس این قاعده فقهی، هیچ فردی بر فرد دیگر سلطه و حاکمیت نمی‌یابد، مگر مواردی که دلایل نقلی آن را استثنا کرده باشد. ر.ک: همان، ص ۱۱۸.
۵۴. همان.
۵۵. همان، ص ۱۱۹.
۵۶. لامانع من ذلك [مشاركة المرأة العراقية فى العملية السياسية و تسلمها للمناصب المختلفة كعضوية البرلمان و الوزارة و غیرذلك] مع توفر الشروط و المؤهلات القانونية، ر.ک: السيد السيستانی، همان، وثیقه رقم ۵۳، جواب رقم ۱۰.
۵۷. روح‌الله موسوی خمینی (ره)، نامه‌ای از امام موسوی کاشف‌الغطاء، (بیجا: ۱۳۵۶)، صص ۴۷-۴۶.
۵۸. همان، ص ۳۲.
۵۹. همان، صص ۱۸-۱۷.
۶۰. همان، صص ۵۳-۵۲.
۶۱. همان، ص ۵۷.
۶۲. روح‌الله موسوی خمینی (ره)، صحیفه نور: مجموعه پیام‌ها و رهنمودهای امام خمینی، (تهران: مرکز اسناد و مدارک انقلاب اسلامی وزارت ارشاد اسلامی، ج ۲)، ص ۱۷۰.
63. David Howarth, Yannis Stavrakakis, (2000), *Discourse theory and political analysis: Identities, Hegemonies and Social change*, Manchester: Manchester University Press (2000), p. 15.
64. J. Butler, E. Laclau, S. Zizek, "Contingency, Hegemony, Universality: Contemporary Dialogues on the Left", (London and New York: Verso, 2000), pp. 53-57.
۶۵. آیت‌الله سیستانی جریان صدر را از اقدام خارج از تصمیمات دولتی نهی کرده و تصمیم‌گیری در این زمینه را در صلاحیت دولت دانست. به‌رغم این موضع، درگیری‌های بعضی از جناح‌های صدر با دیگر گروه‌ها همچنان ادامه پیدا کرد. ر.ک: السيد السيستانی، همان، وثیقه، رقم ۸۵.